



مراسم تجلیل از نیم‌قرن فعالیت بار سابق انقلاب، مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، ۱۹ اسفند، با پیام حضرت آیت‌الله جوادی آملی و سخنرانی آیت‌الله علم‌الهدی نماینده ولی‌فقیه در استان خراسان رضوی و حجت‌الاسلام والمسلمین مروی تولید آستان قدس رضوی در تالار قدس کتابخانه مرکزی رضوی مشهد مقدس برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد علوم و حیاتی اسراء، در پیام حضرت آیت‌الله جوادی آملی به این مراسم آمده است:

مقدم شما فرهیختگان، بزرگان، علما و صاحب‌نظران را گرامی می‌داریم و از برگزارکنندگان این نشست عظیم فرهنگی و دینی و علمی حق‌شناسی می‌کنیم. از همه مدیران به‌ویژه مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی <sup>(رحمه‌الله)</sup> حق‌شناسی می‌کنیم که با مدیریت صحیح و تدبیر تام به این نظام پرپرکت اسلامی خدمت کرده‌اند و خدمت می‌کنند.

اما اساس مدیریت و سرپرستی یک فن یا یک گروه در قرآن کریم از یک حرمت ویریای برخوردار است، یک؛ در روایات اهل‌لیت <sup>(علیهم‌السلام)</sup> از عظمتی متنعم است، دو؛ آنچه که در جریان انقلاب اسلامی رخ داده است، وظیفه مستفاد از کتاب و سنت را به عهده مدیران می‌گذارد، سه؛ و سایر مطالبی که در زیرمجموعه این عناوین یادشده مطرح به خواست خدا می‌شود، چهار.

اما قرآن کریم درباره مدیریت – گذشته از آن خطوط کلی که در سراسر قرآن کریم مطرح است – دو نمونه را قرآن یادآور می‌شود که

یکی مربوط به برجسته‌ترین کار یک مملکت و دیگری ناظر به ساده‌ترین و بی‌پیرایه‌ترین کار یک کشور است. در کشور این دو قطب اساس کار هستند و متوسطانی هم دارند. قطب اول، قطب وزارت است. وزیر کسی است که ثقل مملکت روی دوش اوست. وزیر یعنی سنگینی؛ وزیر به کسی می‌گویند که سنگینی حکومت به عهده او باشد. وقتی موسای کلیم به ذات اقدس الهی عرض می‌کند:ه‌ا‌رون را وزیر من قرار بده؛ یعنی این بار سنگین را او به عهده بگیرد که یار من باشد ﴿واجعل لی وزیراً من اهلی﴾ که این وزیر بتواند، بار نبوت، رسالت، ولایت و امامت را تاخلدودی به دوش بگیرد. وزیر به چنین شخصیتی می‌گویند.

کسی می‌تواند وزیر باشد که در علمیت آنچه شایسته وزارت و بایسته وزارت است، بداند و آنچه شایسته عمل و تدبیر و اجرانیات است، بداند و عمل کند.

در قرآن کریم نمونه وزیر کامل را در جریان کشور پهناور آن روز مصر ذکر کرده است. اگر سالیان متمادی قحطی و گرانی از نظر اقتصاد و سایر شئون وابسته، یک مملکتی را تهدید بکند، آن کشور نیازمند به یک مدیر و عاقل و توانمند و توانای پاکدست است. در چنین شرایطی ذات اقدس الهی یوسف‌<sup>(ع)</sup> را برای وزارت کشور قحطی‌زده مصر مسئول قرار داد و یوسف مصری <sup>(علیه‌السلام)</sup> گفت که ﴿اجعلنی علی خزائن الأرض اِنی حفیظ علیم﴾. اقتصاد مملکت، کلید مملکت، کلید وزارت اقتصاد را به دست من بده؛ زیرا هر وزیری این دو سمت اصلی را داشت، آن کشور موفق است؛ تدبیر علمی که قطب فرهنگی است، یک؛ طهارت و پاکدستی و نراحت از نارسایی، این دو. من واجد علم و عمل هستم؛ یعنی هم در مدیریت کشور قحطی‌زده مصر، به راه‌های علمی آگاه هستم، یک؛ دستم پاک است، دو. ﴿اجعلنی علی خزائن الأرض اِنی حفیظ﴾، یک؛ ﴿علیم﴾، دو؛ نه اهل اختلاس و دوست‌بازی بی‌جا هستم؛ چون حفیظ مال امت هستم و نه در مدیریت – خدای ناکرده – کمبودی دارم. هم محقق اقتصادی هستم هم امین مالی هستم. کشور به این دو رکن می‌خواهم: «توجنی بالکفایة و سمنی

الولایة»؛ خدایا! تدبیر و مدیریت و مربی بودن پاک و دقیق و علمی را از تو مسئلت می‌کنم. این تاج لیاقت را تو به من بده، این‌طور نباشد که امروز با یک نام و نانی به سمت برسم، فردا به‌پهانه اختلاس به زندان بروم. خدایا! این کفایت تاج است تا تو ندهی، نصیب کسی نمی‌شود.

این دعای نورانی امام سجاد‌<sup>(علیه‌السلام)</sup> در صحیفه سجادهیه است «توجنی بالکفایة» که با هر درس خواندنی حاصل نمی‌شود، با هر خانواده‌ای حاصل نمی‌شود. مدیریت یک مملکت، اداره یک مملکت، داشتن مال‌های سنگین به‌صورت امانت در یک مملکت، یک تاج است؛ تاج الهی است. امام سجاد‌<sup>(علیه‌السلام)</sup> این تاج الهی را از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کند: «توجنی بالکفایة»، یک؛ «وسمنی حسن الولایة»، دو. این سمه، این علامت، این نشان و این مدال مدیریت صحیح را تو باید بدهی. اداره کشور یعنی این. این تاج است. ما باید بدانیم این تاج را روی سر هر کسی نگذاریم «توجنی بالکفایة».

مملکت را هم کمیته امدادی نمی‌شود اداره کرد. هرکس باید در کنار سفره خودش بنشیند. تولید، تولید، تولید. اشتغال، اشتغال. ما دو تا فقر داریم: یک فقر اقتصادی که آن حسن الکفایة و تاج کفایت و مدیریت، باید این را کاملاً ریشه‌کن کند. فقر اقتصادی قدغن است. یک فقر طبیعی داریم. فقر طبیعی مثل کودکان، سال‌خورده‌ها، بیماران از کار افتاده؛ اینها اهل کار و کسب نیستند؛ نه خردسالان اهل کار و کسب هستند، نه سالمندان از کارافتاده. این فقر طبیعی را به‌وسیله خانواده‌هایی که دستشان به‌وسیله اقتصاد اساسی پر است، باید تأمین بکنیم؛ وگرنه کشور را با کمیته امداد اداره کردن در شأن یک نظام اسلامی نیست.

سخن در این نیست که شکم پر بشود، سخن در آبرو است. این تاج است، این تاج را به سر هر کسی نمی‌شود نهاد. امام سجاد‌<sup>(علیه‌السلام)</sup> به خدا عرض می‌کند: خدایا! این تاج را تو

باید بدهی. آن فهم را که من بفهمم ریشه فقر اقتصادی کلاً صد درصد باید قطع بشود، تو باید بدهی. فقر طبیعی هست، اگر کسی در کنار سفره پسرش باشد یا پدرش باشد یا برادرش باشد که «من بالکفایة» او هستند؛ این ننگ نیست؛ اما اداره مملکت با کمیته امدادی در شأن یک نظام اسلامی نیست. اینکه امام سجاد‌<sup>(علیه‌السلام)</sup> عرض می‌کند – این صحیفه سجادهیه زیور و انجیل ما شیعیان است – خدایا! «توجنی بالکفایة»، این تاج است که من بتوانم، زیرمجموعه خود را عاقلانه و عالمانه کفایت کنم.

«وسمنی حسن الولایة»؛ ولی خوبی باشم، والی خوبی باشم، ولایت خوبی داشته باشم و قلمرو ولایت من با علم صائب و عمل صالح اداره بشود. در دعای دیگر، وجود مبارک امام سجاد‌<sup>(علیه‌السلام)</sup> پنهانده می‌شود. آن جنبه اثباتی است که خدایا! «توجنی بالکفایة و سمنی حسن الولایة» از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کند، من پناه می‌برم به تو از اینکه سمنی را قبول بکنم و از عهد‌اش برنایم، پناه می‌برم به تو از کسی که نتواند، سمنی را اداره کند و در یک کشور آن سمت را قبول کند، پناه می‌برم به تو که سمت را به کسی بدهیم که او نتواند مملکت را اداره کند. این حرف‌ها بوسیدنی نیست؟! اینکه می‌پنید ما وقتی حرم رفتم، در و دیوار آن را می‌بوسیم، برای همین است. چرا ما در و دیوار را می‌بوسیم؟ این حرف‌ها

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در پیامی به مراسم نکوداشت آیت‌الله واعظ طبسی <sup>(رحمه‌الله)</sup>

# آستان قدس رضوی مسائل کلامی عمیق عریق را گسترش دهد

در جهان زنده است. آن وقتی که از این حرف‌ها خبری نبود، اینها این حرف‌ها را آوردند. ما در و دیوار را که نمی‌بوسیم؛ ما صاحبان این حرف‌ها را احترام می‌کنیم؛ قبل از اینها این حرف‌ها سابقه نداشت. بعد از اینها هم، کسی نمی‌تواند این‌طور عمل بکند. این بیان، نورانی است، البته دعاها ثواب دارد؛ آن ثواب‌ها سرچایش محفوظ است. یک وقت است که یک داعیای را برای ثواب می‌خواند، آن ثواب‌ها همه سرچایش محفوظ است؛ اما اینها آموزنده و تربیت‌کننده است.

اصل سوم این است که مدیریت کل شیء بحسبه است. یک وقت است که کسی مسئول آموزش و پرورش است، یک کسی مسئول نظامی است، یک کسی مسئول مالی است؛ اینها یک حساب دارد و مدیریت خاص دارد. یک وقت است مدیریت آستان قدس رضوی است، مدیریت حرم امن و حرم امن ولی مطلق خداست. او اگر بخواید، تاج مدیریت و تولید را داشته باشد، باید فرهنگ‌مدار خوبی باشد، بیان لطیف مرحوم کلینی را بیان خود بداند.

می‌دانید مرحوم کلینی یک مقداری با دیگران فرق دارد. مرحوم کلینی در این کتاب قیم و شریف کافی، یک مقدمه دارد. آخرین خط این مقدمه این است: به خدای سبحان عرض می‌کند که آن توفیقات را عنایت کنبد که ما وظیفه‌مان را انجام بدهیم. فرمود: «إذ کان العقل هو القطب الذی علیه المدار و به یحتج وله الثواب وعلیه العقاب»؛؟ قطب فرهنگی یک مملکت را عقل آن مملکت تشکیل می‌دهد – این حرف کلینی است؛ لذا اصول کافی را با همان عقل، شروع کرد. قطب فرهنگی سیاسی اجتماعی یک مملکت را عقل تشکیل می‌دهد، قطب فرهنگی اقتصادی یک مملکت را عقل تشکیل می‌دهد، فرمود: آن قطبی که محور احتجاج، محور استدلال، محور عذاب، محور عقاب العقل هو القطب الذی علیه المدار و به یحتج و له الثواب وعلیه العقاب»؛ چون این چنین است، اگر کسی متولی آستان قدس رضوی شد، همانند آیت‌الله طبسی <sup>(رحمه‌الله)</sup> که این نکوداشت بنام این بزرگوار و بزرگواری ایشان تشکیل شده است که حشرش با مولای او، غیر از این نیست؛ اما اداره مملکت با کمیته غیر از «إنی حفیظ»، غیر از «علیم»، غیر از «إن خیر من استأجرت» غیر از همه اینها، یک ولایت‌مداری می‌خواهد. او باید متولی ولایت باشد. مسئله کلامی را رواج بدهد. امامت یعنی چه؟ امام کیست؟ چند نفر هستند؟ شئون امامت چیست؟ فرق امامت و نبوت چیست؟ امام در زمان نبی چه سمتی دارد؟ بعد از نبی چه سمتی دارد؟ در زمان حضور چه سمتی دارد؟ در زمان غیبت چه سمتی دارد؟ حوزه پربرتک و باجلال و شکوه سابقه‌دار مشهد، نیازمند به یک چنین متولی است.

پدیرایی زائران، خدمت به زائران، تهیه مسکن زائران، تهیه غذای زائران، اینها چیز بسیار خوبی است؛ ولی اینها را نمی‌گویند ولایت و مدیریت و تولید آستان قدس رضوی؛ آن کسی حسن‌الولایة دارد، یک؛ تاج ولایت و کفایت دارد، دو؛ مسئولیت ولایت‌پذیری را کاملاً می‌شناسد و عمل می‌کند، سه؛ که خدمت کلامی عمیق عظیم به حوزه علمیه بکند، چهار. کلام را ولایت را، امامت را گسترش بدهد. اگر یک کسی



همانند الغدیر امینی (صلوات الله علیه)، کار بکند، می‌شود گفت؛ او متولی آستان قدس رضوی است. ما چنین کسی را لازم داریم که ضمن آن کارها، این کارهای امینی‌وار را هم بکند. امینی، امینی عصر خود بود؛ اما الآن یک امینی دیگر لازم است و این کار اوست. این نظیر یک بیمارستان نیست، نظیر یک مؤسسه فرهنگی آموزش و پرورش نیست. اگر چهار تا کتاب عمیق علمی نظیر الغدیر از آستان قدس رضوی چاپ نشود، این جای سؤال است. کسی می‌تواند مدیریت آستان قدس رضوی را به عهده بگیرد که در کنار همه آن خدماتی که به زائران می‌دهد، به مجاوران می‌دهد، به هیئات عزادار می‌دهد، به هیئات آئینی می‌دهد – و همه سرچایش محفوظ است – کلام و امامت را گسترش بدهد؛ چون امامت در سایه نبوت است؛ لذا هم دشمن زادی دارد و هم دوست ندادن.

ما متأسفانه چندین فرقه شیعه داریم، اینکه بزرگان ما در رساله عملیه گفتند: شیعه اثنی‌عشریه، برای این است که بسیاری از افراد داعیه امامت داشتند! حالا بلطف الهی شماره آنها کم شد و از بین رفت. همه اینها در زیر پوست یک عده‌ای از همین وابستگان قیم و شریف کافی، یک مقدمه دارد. آخرین خط این مقدمه این است: به خدای سبحان عرض می‌کند که آن توفیقات را عنایت کنبد که ما وظیفه‌مان را انجام بدهیم. فرمود: «إذ کان العقل هو القطب الذی علیه المدار و به یحتج وله الثواب وعلیه العقاب»؛؟ قطب فرهنگی یک مملکت را عقل آن مملکت تشکیل می‌دهد – این حرف کلینی است؛ لذا اصول کافی را با همان عقل، شروع کرد. قطب فرهنگی سیاسی اجتماعی یک مملکت را عقل تشکیل می‌دهد، قطب فرهنگی اقتصادی یک مملکت را عقل تشکیل می‌دهد، فرمود: آن قطبی که محور احتجاج، محور استدلال، محور عذاب، محور عقاب العقل هو القطب الذی علیه المدار و به یحتج و له الثواب وعلیه العقاب»؛ چون این چنین است، اگر کسی متولی آستان قدس رضوی شد، همانند آیت‌الله طبسی <sup>(رحمه‌الله)</sup> که این نکوداشت بنام این بزرگوار و بزرگواری ایشان تشکیل شده است که حشرش با مولای او، غیر از این همه آن حرف‌هایی که گفته شد، غیر از «إنی حفیظ»، غیر از «علیم»، غیر از «إن خیر من استأجرت» غیر از همه اینها، یک ولایت‌مداری می‌خواهد. او باید متولی ولایت باشد. مسئله کلامی را رواج بدهد. امامت یعنی چه؟ امام کیست؟ چند نفر هستند؟ شئون امامت چیست؟ فرق امامت

و نبوت چیست؟ امام در زمان نبی چه سمتی دارد؟ بعد از نبی چه سمتی دارد؟ در زمان حضور چه سمتی دارد؟ در زمان غیبت چه سمتی دارد؟ حوزه پربرتک و باجلال و شکوه سابقه‌دار مشهد، نیازمند به یک چنین متولی است. پدیرایی زائران، خدمت به زائران، تهیه مسکن زائران، غذای زائران، اینها چیز بسیار خوبی است؛ ولی اینها را نمی‌گویند ولایت و مدیریت و تولید آستان قدس رضوی؛ آن کسی حسن‌الولایة دارد، یک؛ تاج ولایت و کفایت دارد، دو؛ مسئولیت ولایت‌پذیری را کاملاً می‌شناسد و عمل می‌کند، سه؛ که خدمت کلامی عمیق عظیم به حوزه علمیه بکند، چهار. کلام را ولایت را، امامت را گسترش بدهد. اگر یک کسی

مرحوم آقای طبسی <sup>(رحمه‌الله)</sup> تا آنجا که مقدورش بود، سعی می‌کرد که به حوزه، خدمات علمی ارائه کند استاید، مدیران، مربیان و معلمان را در حوزه تقویت کند و بپرواند – تا آنجا که مقدورش بود – ولی این نکته باز فراموش نشود که ما موظفیم، در ولایت و تدبیر و تولید آستان قدس رضوی، یک مطلب عمیق عریق علمی را بدانیم که تولید آستان قدس رضوی، غیر از وزارت فلال و وزارتخانه است، غیر از مدیریت آموزش و پرورش است؛ گذشته از اینکه خدمات علمی و اجرایی به زائران و هیئات و دسته‌گاه و امانال ذلک می‌دهد، باید مسائل کلامی عمیق عریقی را که بتواند، در هر عصر و هر مصری یک علامه امینی تربیت کند، گسترش بدهد. این کار حوزه علمیه به‌برکت مدیریت صحیح و ناب تولید آستان قدس رضوی در ایران و تولید قدس ائمه اطهار‌<sup>(علیهم‌السلام)</sup> در عراق است که ذات اقدس الهی، عراق را و ایران و همه مناطق که به‌نام مبارک اهل‌لیت <sup>(علیهم‌السلام)</sup> است، تا ظهور آن حضرت زنده و آباد نگه دارد.

#### • پی‌نوشت‌ها

۱. سوره طه، آیه ۲۹.
۲. سوره یوسف، آیه ۵۵.
۳. سوره قصص، آیه ۲۶.
۴. رک: الکافی، ج ۳، ص ۳۳۸.
۵. صحیفه سجادهیه، دعای ۲۰.
۶. الکافی (ط. الاسلامیه)، ج ۱، ص ۹.
۷. المزار الکبیر (لأین‌المشهدی)، ص ۵۶۹.
۸. الغبیه للعلمانی، ص ۳۲۰.

#### • اخبار کوتاه ایــــران

• **پیشنهاد ایران برای ایجاد نهادهای مشابه سوئیتف و FATF در بریکس:** پیشنهادهای بانک مرکزی ایران برای ایجاد نظام پیام‌رسان بانکی بین اعضا، مشابه سوئیتف، نهاد مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، مشابه FATF و نهاد رتبه‌بندی اعتباری بین‌المللی برای اعضا در دستور کار گروه بریکس قرار گرفت.

• **تجارت خارجی ایران به ۱۲۶ میلیارد دلار رسید:** بهادری، سخنگوی دولت: تجارت خارجی ایران طی ۱۰ ماهه امسال، ۱۲۶ میلیارد دلار بوده است و این میزان نسبت به ۱۰ ماهه پارسال ۲.۴ درصد رشد کرده و تراز هم ۱۷ درصد مثبت است.

• **رهاسازی آب ۲ سدر دریاچه ارومیه:** رئیس سازمان محیط زیست: با رهاسازی آب ۲ سدر در دریاچه ارومیه میزان آب این دریاچه، به ۱.۵ میلیارد مترمکعب رسید و ان‌شاء‌الله تا پایان سال رهاسازی بقیه سدها نیز انجام خواهد شد.

• **سدها سیلاب‌های بلوچستان را مهار کردند:** محرابیان، وزیر نیرو: در مناطق سیل‌زده جنوب سیستان و بلوچستان در یک بازه زمانی بسیار کوتاه بارش‌های سنگینی رخ داد و در برخی نقاط میزان بارش به بیش از ۲۸۰ میلی‌متر رسید. وجود سدهای بزرگ با ذخیره مناسب در منطقه مانند سد کهریز، سد زیردان، سد خیرآباد و سد پیشین سبب شد تا ضمن مهار بخش قابل توجهی از سیلاب‌ها، بحران پیش آمده بدون خسارت جانی و با حداقل خسارت‌های مالی سپری شود.

• **کاهش ۲۹ درصدی بارش‌ها نسبت به سال گذشته:** رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشک‌سالی سازمان هواشناسی: میانگین دوره بلندمدت بارش‌های امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال، ۲۹ درصد کاهش داشته است.

• **ابلاغ مصوبه خدمات درمانی رایگان کودکان به بیمه‌های پایه:** سخنگوی وزارت بهداشت: با ابلاغ مصوبه خدمات درمانی رایگان کودکان، همه بیمه‌های پایه، مکلف به پرداخت ۱۰۰ درصد تعرفه دولتی برای همه خدمات درمانی، سرپایی و بستری کودکان زیر ۷ سال هستند.

• **الحاق تجهیزات جدید به نیروی دریایی ارتش:** در مراسمی ۲ ناوشکن سهند و البرز و ناوهای موشک‌انداز زره و خدنگ، به نیروی دریایی راهبردی ارتش ملحق شد. فرمانده کل ارتش: نیروی دریایی با اعزام ۹۷ ناگروه به اقیانوس‌ها، موفق شده که پرچم ایران را در امتراز نگه دارد و امنیت شناورهای تجاری و نفتکش‌ها را حفظ و از منافع ایران دفاع کند.

• **ایران محموله نفتی آمریکا را توقیف کرد:** در پی تحریم‌های کشورهای غربی و به‌طور ویژه آمریکا که منجر به جلوگیری فروش داروهای مورد نیاز برای بیماران پروانه‌ای توسط یک شرکت سوئدی شده و صدمات شدید جسمانی و روحی را بر آنها وارد ساخته است، بیماران پروانه‌ای (EB)، شکایتی را علیه ایالات متحده آمریکا در دادگاه حقوقی روابط بین‌الملل (شعبه ۵۵) تهران انجام دادند. در نهایت دادگاه حکم توقیف محموله نفتی آمریکایی کشتی ADVANTAGE SWEET در خلیج فارس را صادر کرده و محموله این کشتی توقیف شد.

• **الحاق ۴۲ دستاورد دفاعی به نیروی دریایی ارتش:** با حضور امیر سرلشکر سیدعبدالحجیم موسوی، فرمانده‌کل ارتش، آیین الحاق ۴۲ دستاورد نوین دفاعی به نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. بازاماد و الحاق ۸ فروند یگان شناور رزمی سطحی و زیرسطحی و پروازی شامل: ناوهای موشک‌انداز نیزه و خدنگ، ۲ فروند شناور آذرخش و یک فروند راکت‌انداز ریب، بالگرد مین‌روب شماره ۷۰۴ و هواوان شماره ۷، بخشی از این الحاق بود.

• **دانش‌بنیان‌ها از صادراتی را به نرخ آزاد بفروشند:** معاون محیط کسب و کار و وزارت صمت: شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند، با یکبیری‌های گذشته، ارز حاصل از صادرات کالا را با نرخ آزاد در بازار بفروشند. اختلاف ۲۰۰ هزار ریالی در قیمت ارز دولتی و آزاد، به‌نفع شرکت‌های دانش‌بنیان تمام خواهد شد.

• **صادرات فولاد ماهانه ۱۰۰۰ میلیارد تومان به کشور ضرر می‌زند:** بعد از اینکه یکی از کشورهای همسایه برای واردات فولاد از ایران، عوارض ۳۰ درصدی وضع کرد، صنعت فولاد ایران ۸ ماه است، به این کشور تیرآهن و میلگرد زیر قیمت صادر می‌کند. فروش زیرقیمت میلگرد و تیرآهن سبب شده تا ماهانه ۱۰۰۰ میلیارد تومان خسارت به کشور وارد شود.

• **خودکفایی ایران در ساخت قطعات هواپیماهای مسافربری:** جواد مثنایخ، معاون توسعه اقتصاد دانش‌بنیان معاونت علمی: بعد از اعمال تحریم‌ها بخشی از شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی، توانشان را در بومی‌سازی قطعات خودرو، تعمیر و نگهداری موتورهای هوایی به‌کار گرفتند. برخی از کشورهایایی که به‌دلایل مختلفی آنها هم تحریم شدند و امکان تأمین قطعات و گرفتن خدمت تعمیر و نگهداری ندارند، در ساخت هواپیماهای‌شان از متخصصان ایرانی کمک می‌گیرند. یکی از این کشورها روسیه است.

• **ایران در تولید فولاد جزء ۱۰ کشور برتر دنیاست:** علی‌آبادی، وزیر صمت: در تولید فولاد جز ۱۰ کشور برتر دنیا هستیم و فولاد خوزستان، یکی از مهم‌ترین ارکان فولاد کشور است.

• **آغاز روند نزولی جمعیت ایران از ۱۴۲۵:** مرکز آمار ایران: با کاهش شدید نرخ رشد جمعیت، در برآوردهای جدید، جمعیت ایران سال ۱۴۲۵ به سقف ۹۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر خواهد رسید و از این سال به بعد، روند نزولی جمعیت کشور آغاز خواهد شد.

• **ترکیه جای‌گزین بازار ایران در عراق می‌شود:** رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: اکنون ترکیه در عراق دارد به‌راحتی جای‌گزین ایران می‌شود و حتی عربستان در تولید محصولات کشاورزی بازارها را تصاحب می‌کند و این خطری جدی به‌شمار می‌آید.

• **۴۶ درصد ذخایر سدها پُر شد:** در حال حاضر با وجود ۲۲ میلیارد و ۹۲۰ میلیون مترمکعب آب ذخیره‌شده در سدهای کشور، ۴۶ درصد ظرفیت مخازن سدها پُر و ۵۴ درصد این ظرفیت خالی است. در ۱۶۳ روز ابتدایی سال آبی جاری، در مجموع ۱۱ میلیارد و ۸۹۰ میلیون مترمکعب آب وارد سدهای ایران شده و ۱۰ میلیارد و ۶۶۰ میلیون مترمکعب آب از سدهای کشور رهاسازی شده است.